

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۰۷ جنوری ۲۰۲۰



تشدید تروریسم دولتی در منطقه، خطر جنگ و ضرورت همبستگی کارگران و زحمتکشان

صبح جمعه سیزدهم دیماه [جدی] ۹۸، قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی و ابومهدی المهندس، نائب رئیس حشد الشعبی عراق، به دستور ترامپ، رئیس جمهوری امریکا در نزدیک فرودگاه بغداد توسط بهیاد های امریکائی کشته شدند. کشته شدن سلیمانی نه اولین و نه آخرین قتل و کشتار در روند کشمکشها و درگیریهای سیاسی نظامی و نیابتی طولانی مدت امپریالیسم امریکا و رژیم جمهوری اسلامی است. درگیریها و کشمکش هائی که برای توده های زحمتکش مردم ایران و عراق و منطقه، جز تشدید سرکوب، کشتار و فقر و جنگ و ویرانی و آوارگی، نتیجه دیگری در بر نداشته است.

۱- نزدیک به ده سال قبل توده های زحمتکش مردم منطقه در خلاصی از وضعیت فلاکت بار اقتصادی و سرکوب سیاسی، علیه دول سرکوبگر و مرتجع سرمایه داری منطقه، به پا خاستند و دست به قیامهای متعددی زدند. در فقدان احزاب انقلابی و تشکلهای مستحکم کارگری، این جنبشها با دخالت نیروهای امپریالیستی و دول منطقه از مسیر خود منحرف و به خون کشیده شدند. دخالت مستقیم نظامی، سازماندهی جنگ نیابتی و حمایت مالی و تسلیحاتی گروه ها و دسته جات مذهبی و عشیره ئی، انداختن آنها به جان همدیگر و به جان مردم معترض و کسب میلیاردها دلار سود از طریق فروش تسلیحات، رونق قاچاق مواد مخدر، تاخیر و فروش انسان و گسیل خیل بیکاران و گرسنگان به جبهه های جنگ و کشتار، رویه ای بوده که دست تمام دول معظم سرمایه داری و دولتهای مرتجع منطقه را تا مرفق به خون و جنایت آلوده کرده است. جنگ طولانی و رقابت بین دول امپریالیستی و قدرت های مرتجع حاکم بر سر تجدید تقسیم مناطق نفوذ، صد ها هزار کشته، میلیونها مصدوم و آواره برجای گذاشته است، زیر ساخت های اقتصادی نابود و شیرازه جوامع از هم پاشیده شده است.

۲- بعد از لشکرکشی امپریالیسم امریکا به عراق و افغانستان، جمهوری اسلامی فرصت را برای گسترش منطقه نفوذ خود مناسب تریافت. سپاه پاسداران رژیم بخش برون مرزی، تحت نام «سپاه قدس» به فرماندهی قاسم سلیمانی، با قدرتهای درگیر در منطقه به رقابت و کشمکش ویا همکاری و بند و بست روی آورد، تا به رؤیای «هلال شیعی» رهبران جمهوری اسلامی مادیت بخشد. نتیجه این کارزار، صرف میلیاردها دلار از دسترنج توده های زحمتکش مردمی

بود که بیش از هشتاد درصد آنها در زیر خط فقر زندگی می کنند و اعتراضات و اعتصابات آنها با گلوله و کشتار جواب داده می شود.

سپاه پاسداران که سلیمانی یکی از سرداران نوب شده در ولایت فقیه آن بود. از نقطه نظر اکثریت توده های کار و زحمت و روشنفکران و جوانان ایران یک نیروی سرکوبگر محسوب می شود که تا کنون جنایات بیشماری مرتکب شده است.

۳- ترور سلیمانی و ابومهدی مهندس، در شرایطی برنامه ریزی شد که جنبشهای اجتماعی و توده ئی در عراق و ایران گام در راه اعتلاء نهاد است. همزمان با خیزش توده ئی عظیم آبانماه [عقرب] در ایران، در عراق نیز ماه ها است که توده های مردم برای تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و سیاسی این کشور و قطع دخالت خارجی از جمله ایران و امریکا، در خیابان به سر می برند. سرکوب خونین خیزش آبانماه [عقرب] با هزاران کشته و زخمی و زندانی و ناپدید شده و تلاش ناموفق رژیم در فریب توده های مردم، عدم پاسخگویی به جنایت خونین و مطالبات مردم، به خشم و انزجار توده های زحمتکش افزوده است و نظام حاکم را بیش از گذشته در محاصره قرار داده و با بحرانیهای لاینحلی مواجه نموده است.

در چنین شرایطی ترور قاسم سلیمانی به فرمان ترمپ در واقع از آن «امدادهای غیبی» و «نعمات الهی» بود که به یاری رژیم مستأصل جمهوری اسلامی و دارو دسته حاکم بر عراق آمد. رژیم جمهوری اسلامی و حاکمان عراق تلاش خواهند کرد تا جایی که می توانند با دامن زدن به «ناسیونالیسم» مذهب و «میهن پرستی» و جو ضد امریکائی، جنبش های اعتراضی را به حاشیه رانده و به بهانه روبروئی با امریکا - که به نوبه خود مورد نفرت توده های زحمتکش منطقه و مردم عراق و ایران است-، سیاست سرکوب و امحای هرگونه آزادیخواهی را تشدید کنند و فشار فزاینده اقتصادی و سیاسی برگردانده توده های زحمتکش را افزایش داده و توجیه نمایند و از پاسخگویی به فساد، دزدی، رانت خواری و سرکوب، شانه خالی کنند. جمهوری اسلامی که در سالهای اخیر بیش از پیش مشروعیت خود را از دست داده است، تلاش خواهد کرد تا مرگ قاسم سلیمانی را به فرصتی برای تغییر جو سیاسی و اعتراضی میلیونی زحمتکشان و به فراموشی سپرده شدن مطالبات آنها تبدیل کند.

۴- تردیدی نیست که فضای به وجود آمده از ترور قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس و همراهان آنها، برای هیأت حاکمه امریکا و برای شخص ترمپ نیز فرصتی است تا ضمن پیشبرد سیاستهای استیلاجویانه خود در منطقه، مشکلات داخلی را به حاشیه براند. رقبای خود را که استیضاح وی را روی میز گذاشته اند به عقب نشینی واداشته و خویشان را به عنوان کاندید مناسب انتخابات آینده ریاست جمهوری در نزد افکار عمومی صالح جلوه دهد. علاوه بر آن بالا رفتن تنش در منطقه و خطر جنگ، به افزایش قیمت نفت صادراتی امریکا و افزایش سهام شرکت های عظیم نظامی منجر خواهد شد که عملاً میلیاردها دالر سود نصیب انحصارات امریکائی خواهد کرد.

۵- «جنگ ادامه سیاست باروش دیگر است» در جنگ نیز هر کدام از طرفین اهداف و منافع خود را دنبال می کنند، اکنون کشمکش های جمهوری اسلامی و امپریالیسم امریکا وارد مرحله حساسی شده است و خطر جنگ افزایش یافته است. هر چند که رهبران جمهوری اسلامی برای حفظ نظام حاضر هستند ده بار دیگر «جام زهر» را بالا بکشند و اما احتمال وقوع هراتفاقی، از جمله درگیری نظامی دور از ذهن نیست. در این جنگ و جدال تلاش برای به حاشیه راندن جنبشهای اجتماعی و بسیج توده ها با تبلیغات میهن پرستانه بکلی کاذب و دروغین و منحرف کردن توجه آنها از معضلات داخلی و مطالبات اقتصادی و سیاسی به سمت فضای جنگی، از جمله اهداف دوطرف در بسیج و فریب توده های زحمتکش است. در حالی که کارگران و زحمتکشان کشورهای مختلف دشمنی باهم نداشته و جنگی هم باهم ندارند که به گوشت دم توپ

طبقه سرمایه دار این ویا آن طرف مخاصمه تبدیل شوند. طبقه کارگر و زحمتکشان برای خلاصی از ستم و استثمار و جنگ و سرکوب ناگزیر باید تکلیف خود را با طبقه حاکم کشور خویش یکسره کنند.

۶- امانباید فراموش کرد که مبارزه علیه نظامات سرمایه داری از مبارزه علیه امپریالیسم جدانیست. سرمایه داری و امپریالیسم دوروی یک سکه هستند که به خاطر تناقضات ذاتی نظام سرمایه داری، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی مشغول رقابت و جنگ وجدال و گسترش نفوذ خود به منظور تسلط بر منابع طبیعی، نیروی کار ارزان و بازارهای فروش هستند. جنگ وجدالی که در آن میلیونها انسان قربانی می شوند، نیز محصول مناسباتی است که در آن انباشت سرمایه و سود، حرف اول را می زنند. از اینرو رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران که اکثریت اهالی راتشکیل می دهند با منافع اساسی امپریالیسم امریکا و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در تضاد است و چه به لحاظ سیاسی و نظری و چه عملی، بناگزیر در مقابل هر دو طرف مخاصمه قرار دارند و آنها دشمنان مشترک توده های عظیم کارگران و زحمتکشان منطقه و ایران هستند.

۷- آزادی کارگران و زحمتکشان که اکثریت اهالی را تشکیل می دهند، درگرو مبارزه با جنگ و سرکوب، ستم استثمار و سرنگونی طبقات حاکم و به دست گرفتن سرنوشت خویش است. در این شرایط حساس کارگران پیشرو، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، جوانان و دانشجویان باید تلاش کنند تا توده های کارگر و زحمتکش مردم نسبت به منافع طبقاتی خود آگاهتر شده و در دام عوامفریبی های رژیم و دسیسه های امپریالیستی گرفتار نشوند و به سازمانیابی، آگاهی و تشکل و انسجام خود روی آورند، تابتوانند در تخصصات دونیروی ارتجاعی، به صورت آگاهانه و مستقل جایگاه و موقعیت خود را برای ادامه مبارزه تا رسیدن به آزادی و برابری حفظ و توسعه و تقویت کنند.

تردیدی نیست که توده های زحمتکش مردم ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه که به خیزش های متعددی دست زده اند، خواهان آزادی، رفاه، پایان دادن به ستم و استثمار و جنگ و کشتار هستند و پیشروی و پیروزی در این امر تنها با تشکل، وحدت و سازمانیابی جبهه انقلابی کارگران و زحمتکشان و مقابله با دخالتگریهای امپریالیستی و تشدید مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیمهای سرکوبگر و فاسد، باهدف سازماندهی ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها و گذار به سوسیالیسم امکان پذیر است.

برپایاد اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

نابودباد امپریالیسم - زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست چهاردهم دیماه [جدی] ۱۳۹۸